

گستره جرم خیانت در امانت از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری افغانستان^۱

چکیده

در این نوشتار گستره جرم خیانت در امانت نسبت به مالکیت‌های خصوصی و عمومی از منظر فقه اسلامی و حقوق کیفری افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. منابع فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که وقوع این جرم در محدوده مالکیت‌های خصوصی مانند: بسیار از عقود امانی: امانت، اجاره، رهن و... امکان‌پذیر است، البته در صورتی که تصرف در این اموال همراه با سوء نیت و با قصد تعدی و در قالب رفتار مجرمانه از سوی مرتکب صورت گرفته باشد. قانون‌گذار افغانستان در ضمن تعریف جرم خیانت در امانت با توجه به میزان جرم، مجازات متناسب وضع نموده است، و بر اساس ضرورت با توجه به شخص مرتکب حکم به تشدید مجازات کرده است. در فقه اسلامی گرچه محدوده جرم خیانت نسبت به حقوق جزایی بیشتر است ولی واکنش نسبت آن به شفافیت حقوق جزا نیست، و به صورت عقاب اخروی مطرح است. در برخی موارد مانند نامه‌های امام علی (علیه السلام) به کارگذارانش مجازات حبس یا عزل از کار یا تبعید مطرح شده است، و البته از نظر میزان مجازات ابهام دارد. بنابراین ممکن است گفته شود جرم خیانت در امانت از منظر فقه اسلامی دارای قلمرو وسیعتر نسبت به حقوق جزایی افغانستان خواهد بود، ولی نوع واکنش نسبت به جرم مذکور در فقه اسلامی بشتر به عقوبت اخروی توجه شده است؛ اما در حقوق جزایی مجازات مرتکب با توجه به شخصیت او یا میزان خیانت به صراحت تبیین شده است. پس می‌توان گفت نگاه فقه اسلامی و حقوق در محدوده و میزان مجازات متفاوت است، اگرچه در جرم دانستن آن اتفاق نظر وجود دارد.

کلیدواژگان: جرم، خیانت در امانت، فقه اسلامی، حقوق جزایی، قانون‌گذار.

مقدمه

خیانت در امانت در فقه اسلامی و حقوق کیفری به یک صورت و قالب واحد مطرح نشده است؛ به طور اجمال می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در فقه اسلامی موضوع این جرم از گستردگی بیشتر برخوردار است؛ خیانت در امانت فقد منحصر به اموال نیست، بلکه می‌توان مصادیق فراوانی برای آن پیدا نمود. از زمانی که حقوق مالکیت خصوصی اشخاص در جامعه مطرح و حمایت از آن مانند سایر حقوق و آزادی‌های مدنی مورد توجه آحاد ملت و اداره‌کنندگان جامعه قرار گرفته است. همواره مساله سپردن اموال منقول به فرد امین به انگیزه‌های مختلف از قبیل: حفاظت و نگهداری، نقل و انتقال، تعمیر و رفع معایب و نواقص امری رایج و مرسوم در جوامع مختلف بوده است، و رعایت آن یکی از صفات پسندیده محسوب می‌گردد. به علاوه از نظر اجتماعی پایبند بودن به صفت امانتداری باعث تقویت حس اعتماد و اطمینان و همدلی در میان مردم می‌شد. از طرف دیگر تعدی، تفریط و خیانت نسبت به اموال غیر، مورد تنفر و انزجار عموم قرار داشت. بنابراین موضوع خیانت در امانت در فقه اسلامی و حقوق کیفری افغانستان با توجه به روی کرد هرکدام مورد تحلیل فقهی و حقوقی قرار گرفته است و به صورت مقایسه ای این دو دیدگاه بررسی می‌گردد.

مبحث اول: مفاهیم و کلیات

الف) مفهوم شناسی خیانت در امانت

خیانت در امانت، از دو کلمه ای امانت و خیانت ترکیب شده است، به یک اعتبار «یک مجموعه واحد» است و دارای معنای اصطلاحی اما به اعتبار فردی هر یک از واژگان دارای معانی متفاوت است. به طور ترکیبی خیانت در امانت در لغت به معنای «پیمان شکنی، نقض عهد (بسطانی، ج ۳، ص ۲۶؛ انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۴۳)، دغل کاری، بی‌عصمتی (الظاهر، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۷۰)، حق ناشناسی، تقلب، افراط و بی‌وفایی» (الیاس انطون، الیاس، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۲۰۴) «نمک به حرامی، بی‌دیانتی و دزدی» (دهخدا، بی‌تا) آمده است. در اصطلاح فقه اسلامی و حقوق، تصرف‌های ناروا در اموال و مالکیت‌های دیگری خیانت تلقی شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۸۴۹). تصرف در مورد امانت بر خلاف منظور و اراده مالک و به ضرر او خیانت خواهد بود. از نظر حقوقدانان حتی استعمال اموال بر خلاف خواسته مالک خیانت نسبت به حق مالکیت او به حساب می‌آید. قانونگذار برای حفظ امانت و جلوگیری از تعدی نسبت به اموال و مالکیت‌های دیگری برای مرتکب مجازاتی را وضع و مقرر نموده است. فقها نیز آن را به عنوان گناه کبیره مستوجب عقاب دانسته است (مکارم شیرازی و جمعی از اساتید و محققین حوزه دائرة المعارف فقه مقارن، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۹۴).

ب) ارتباط جرم خیانت در امانت با موارد مشابه

خیانت در امانت از جمله جرایم مالی است برای تشخیص جایگاه آن ارتباط و تفاوتش با موارد دیگر مانند: سرقت، کلاهبرداری، اختلاس مورد بررسی قرار می‌گیرد و بیشتر جنبه تمایز آنها مورد توجه قرار گرفته است.

۱- تفاوت خیانت در امانت با کلاهبرداری

۱-۱. تفاوت خیانت در امانت با کلاهبرداری در نحوه تصاحب

کلاهبرداری و خیانت در امانت هر دو در زمره شدیدترین جرایم مالی قرار دارد، با این تفاوت، که کلاهبردار با انجام مانورهای متقلبانه، و ترفندی خاص زمینه‌ای تصاحب اموال و مالکیت‌های غیر را فراهم می‌کند و این رفتار به نحوی ماهرانه صورت می‌گیرد که در بسیار از موارد خود قربانی تحت تاثیر صحنه‌سازی‌های مرتکب، با اراده و اختیار و گاهی با اسرار اموال خودش را در اختیار کلاهبردار قرار می‌دهد. پس اگر اغفال و فریبی در کار نباشد، عمل مرتکب فریبکاری نخواهد شد (حبیب‌زاده، ص ۴۱). در خیانت در امانت، مالک با طیب خاطر اموال خود را به امین می‌سپارد؛ از باب اینکه به امانتداری او اطمینان دارد، حالا اگر شخص با سوء استفاده از اعتماد فرد نسبت به اموال امانتی با قصد خیانت مرتکب تصرف ناروا شده و از استرداد امانت خودداری نماید، رفتار او خیانت در امانت خواهد بود (ولیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).

۱-۲. تفاوت خیانت در امانت با کلاهبرداری در قصد انتفاع

اگر مرتکب به نحوی عمل نماید که رفتار او موجب اتلاف اموال مالک و یا ضرر او گردد مثل اینکه مجرم با انجام اعمال و مانورهای متقلبانه باعث شود مجنی علیه اموال خود را زیر قیمت بفروشد، و یا مشتری خود را از دست بدهد، و یا در نتیجه رفتار مرتکب اموال مالک از بین برود و از این عمل هیچ نفعی عاید مرتکب نشود، این رفتار را نمی‌توان کلاهبرداری قلمداد کرد. اما در جرم خیانت در امانت ممکن است، امین مال مورد امانت را بدون رسیدن به یک منفعت تلف نماید، و این رفتار با سوء نیت صورت گرفته باشد، عمل مرتکب اگرچه نفعی برای او نداشته است، خیانت در امانت تلقی خواهد شد (حبیب‌زاده، ص ۳۵۴).

۲. تفاوت خیانت در امانت با سرقت

۱-۲. تمایز در تصاحب اموال

تصاحب در جرم سرقت با ربودن اموال دیگری به طور پنهانی و مخفیانه از حرز خواهد بود. بنابراین جرم سرقت با ربایش اموال منقول متعلق به غیر بدون مجوز قانونی تحقق پیدا می‌کند (صادقی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۵). در حال که خیانت در امانت از یک طرف محدود به اموال منقول نیست بلکه

شامل اموال غیر منقول نیز می‌شود، و علاوه بر این در خیانت در امانت ربایش به صورت غیر قانونی نیست.

۲-۲. تفاوت از جهت نوع تسلط بر اموال دیگری

از جهت دیگر در سرقت ربودن مطرح است و این بدین معنی خواهد بود که متهم، مال غیر را بدون اجازه و آگاهی مالک به صورت پنهانی ربوده باشد، در حالیکه در جرم خیانت در امانت، اموال با اراده و توسط شخص مالک در اختیار مرتکب به هدف حفاظت و نگهداری قرار گرفته است (حیب‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷). ولی شخص از این اعتماد سوء استفاده نموده و با تصاحب، تلف، مفقود کردن و یا استعمال شیئی مورد امانت مرتکب خیانت شده است.

۳. تفاوت خیانت در امانت با اختلاس

۱-۳. تمایز از جهت تصاحب اموال

اختلاس در اصطلاح حقوقی تصاحب و بردن وجه یا اموال منقول یا اسناد اعتباری که متعلق به دولت و بیت المال است خواهد بود، هر یک از کارکنان دولت یا مأمورین خدمات عمومی و کارمندان سایر نهادهای دولتی و خصوصی ممکن است بر بخشی از اموال و دارایی‌های دولتی و خصوصی دسترسی داشته باشد (مهاجری، ۱۳۷۹، ص ۳۲۴). بر طبق قانون موظف است در حفظ و نگهداری آن تلاش کنند و بدون مجوز قانونی حق تصرف نسبت به آن را ندارند. چون علی القاعده او از نگاه دولت و مالک نسبت به اموال که در دست دارد، امین قلمداد شده است. اما خیانت در امانت در محدوده تسلط امین بر اموال متعلق به اشخاص خصوصی ممکن است صورت بگیرد نه اموال دولتی، و مرتکب با سوء استفاده از اعتماد امانت‌گذار مرتکب خیانت می‌شود.

۲-۳. نحوه تسلط بر اموال دیگری

تفاوت اختلاس با خیانت در امانت در نحوه تصاحب اموال دیگری است. مرتکب در جرم اختلاس بر اساس وظیفه قانونی بر اموال سلطه پیدا می‌کند و برای رسیدن به مقصد و به ملکیت در آوردن اموال دولتی از موقعیت و مقام قانونی که دارد، سوء استفاده نموده و تحت عنوان انجام وظیفه با مهارتی که دارد، اقدام به تصرف و استفاده غیر قانونی در اموال عمومی و خصوصی می‌کند. اما تسلط مرتکب خیانت در امانت به این صورت است که مالک با اراده اموال خود را در اختیار او قرار می‌دهد. مرتکب به قصد تصاحب اموال مالک از استرداد آن در موعد مقرر خودداری می‌کند.

مبحث دوم: گستره جرم خیانت در امانت در فقه اسلامی

از منظر فقه اسلامی جرم خیانت در امانت در موضوعات مختلف فقهی قابل تصور است، اما با توجه به محدودیت فضا به بررسی چند مورد بسنده می‌کنیم.

۱. خیانت در امانت در عقد ودیعه

خیانت امین نسبت به اموال که در قالب عقد ودیعه به او سپرده شده است، در واقع زیر پا گذاشتن یکی از پایه‌های روابط اجتماعی، اعتماد و اطمینان است. امین بدون توجه به مسئولیت شرعی خودش نسبت به اموال امانی مرتکب خیانت شده است. برخی از فقها گفته‌اند امین با تعدی و تفریط مسئول تلقی می‌شود (محقق حلی، ج ۲، ص ۱۳۲ پیشین سید محمد شیرازی، ج ۵۶، ص ۹۷). طبق این دیدگاه مبنای مسئولیت اثبات تعدی و تفریط خواهد بود، اما از نظر صاحب قواعد مبنای مسئولیت تقصیر و بی‌مبالاتی امین است، بر همین اساس موجبات ضمان را بدین طریق بیان کرده است: استفاده شخصی، انتقال به غیر بدون مجوز قانونی، کوتاهی در دفع ضرر، مخالفت با توافقی که در حفظ شده و تضييع عمدی مورد امانت، البته می‌توان گفت سخن محقق عمومیت دارد و در مواردی شامل ضمان مدنی نیز می‌شود (اسدی محقق حلی، ج ۲، ص ۱۸۵).

۲. خیانت در امانت در عقد اجاره

در صورت وقوع عقد اجاره اموال مالک نزد مستاجر حکم امانت را دارد، فقها در صورت اختلاف موجر و مستاجر بر طبق روایات مبتنی بر تصدیق قول امین عمل می‌کنند مگر در صورتی که دلیل بر تخلف مستاجر وجود داشته باشد، و نسبت به اموالی که به صورت امانت در دستش بود با سوء نیت تصرف کرده است، طبق شرع مسئولیت دارد (کاشف الغطاء انوار الفقاهه کتاب الاجاره، ص ۴۴). علاوه بر این خیانت در امانت در عقد وکالت، وصیت، رهن و سایر عقود مالی امکان وقوعی دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت در منابع روایی و فقهی امانت و خیانت نسبت به آن محدود به اموال نیست، ممکن است مصداق خیانت در امانت مال، جان، حیثیت، آبرو و عرض باشد، و به‌طور نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم. حفظ جان خود یا دیگری به فرموده امام رضا علیه السلام یک وظیفه دینی است اگر فردی با رفتارش حیات کسی را به خطر بیندازد خیانت محسوب می‌گردد (مجلسی، ج ۳، ص ۱۱). در مواردی مانند یک پزشک، برای معالجه بیمار خودش لازم است بر بسیار از اسرار و اطلاعات سری که مریض حاضر نیست با نزدیک‌ترین افراد به خودش در میان بگذارد ولی به پزشک معالج اطمینان می‌کند، اگر پزشک این اطلاعات را بدون اجازه بیمار به دیگری بدهد چون مربوط به حیثیت و آبروی بیمار است؛ رفتار او خیانت در امانت خواهد بود (تمیمی، ص ۸۱۲).

مبحث سوم: خیانت در امانت در حقوق کیفری و قوانین جزایی افغانستان

جرم خیانت در امانت از جمله بزه‌های است که تحقق آن آنی است، و با تحقق آخرین جزء رکن مادی محقق می‌شود با توجه به تعابیر قانونگذار در قالب تصاحب، اتلاف، مفقود کردن و یا استعمال ناروای مورد امانت ممکن است واقع شود. با توجه به عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت درکود جزای افغانستان مصادیق آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. عناصر جرم خیانت در امانت

۱-۱. عنصر قانونی

کود جزای افغانستان در چند ماده مصادیق جرم خیانت در امانت را بیان نموده و مجازات هر مورد را ذکر کرده است:

ماده ۷۲۰، شخصی که پول یا مال منقول یا سند یا مهر یا امضاء را که به اساس توافق، قرارداد، حکم قانونی یا حکم محکمه به وی امانت سپرده شده است، برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا تصاحب کند یا آنها را با سوء نیت تلف یا پنهان سازد یا در آنها طوری تصرف کند که به صاحب مال ضرر وارد شود، مرتکب جرم خیانت در امانت شناخته شده، مطابق احکام این فصل، مجازات می‌گردد.

ماده ۷۲۱ «۱» مرتکب جرم خیانت در امانت قرار ذیل مجازات می‌گردد:

۱. در صورتی که ارزش موضوع جرم تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی تا سی هزار افغانی.
 ۲. در صورتی که ارزش موضوع بیش از ده هزار تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی.
 ۳. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی بیش از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی.
 ۴. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی بیش از یک صد و بیست هزار تا یک صد و هشتاد هزار افغانی.
 ۵. در صورتی که ارزش موضوع جرم بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حد اکثر حبس متوسط.
- «۲» در حالات مندرج فقره ۱ این ماده هرگاه موضوع جرم قابل سنجش با پول نباشد، مرتکب حسب احوال، به حبس قصیر یا متوسط یا جزای نقدی از سی هزار تا سی صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد (کود جزا مواد ۷۲۰ و ۷۲۱).

قانونگذار در ماده ۷۲۲ موارد را که در حکم خیانت در امانت باشد را بیان کرده است، و در ماده ۷۲۳ موارد تشدید مجازات را ذکر کرده است که بدلیل اختصار از ذکر آن در اینجا صرف نظر می‌کنیم و در مطالب آینده به آن استناد می‌گردد.

۱-۲. عنصر مادی جرم خیانت در امانت

با بیان مواد قانونی این جرم مصادیقی را که در ضمن تبیین حکم موضوع قانونگذار آورده است با استفاده از تحلیل حقوقی در عنصر مادی بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱. تصاحب اموال امانی

حقوقدانان تصاحب را به تملک مال مورد امانت به هر نحو ممکن، البته به قصد احراز مالکیت و تصرف تعریف کرده‌اند (ولیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳). بنابراین تصاحب، نوعی اعمال سلطه و استیلا مالکانه از ناحیه امین بر مال مورد امانت بر خلاف مقتضای رابطه حقوقی امانت آور خواهد بود (همان، ص ۱۸۳). ممکن است امین ضمن عدم استرداد مورد امانت، آگاهانه یا سوء نیت به ضرر امانت گذار اقدام به تصاحب و تصرف غیر مأذون نماید (حبیب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). در صورت خود داری از استرداد اموال امانی عملش خیانت در امانت تلقی می‌شود. برای تحقق بزه موضوع ماده ۷۲۰ کود جزای افغانستان صرفاً خودداری متهم از رد مال امانتی، کفایت نمی‌کند. بلکه علاوه بر این، لازم است اقدام به تصاحب با قصد اضرار مالک و همراه با سوء نیت باشد (صادقی، پیشین، ص ۱۵۱).

۱-۲-۲. مفقود نمودن مورد امانت

در مواردی ممکن است جرم خیانت در امانت و تعدی نسبت به اموال امانی با مفقود کردن عمدی مورد امانت صورت بگیرد. مفقود کردن بدین معنی خواهد بود که امین اموال امانی را از دسترس مالک خارج نماید. مثلاً اگر مورد امانت جواهر گران قیمت باشد که توسط امین به صورت عمدی مفقود شده است، و برای دور کردن از دسترسی مالک آن را در رود خانه بیندازد. در ماده ۷۲۰ قانونگذار می‌گوید: اگر مرتکب نسبت به امانتکاری بر ضرر مالک بکند خیانت در امانت است (قانون کود جزایی افغانستان ماده ۷۲۰)، ناپدید نکرده است ولی از حیز انتفاع خارج نموده است، جرم مورد نظر تحقق خواهد یافت (ولیدی، ص ۱۸۸).

۱-۳-۲. تلف کردن از روی تفریط

تلف یعنی از بین بردن، که ممکن است بالمباشره یا بالتسبیب باشد. اتلاف با تلف کردن کل یا جزء و هم‌چنین وصف محقق خواهد شد (همان، ص ۱۵۱). تلف کامل هم ممکن است از طریق منهدم کردن، سوزاندن، شکستن و مانند اینها یا از طریق انجام اعمال حقوقی، مثل فروختن، اجاره دادن و یا در گرو گذاشتن مال مورد امانت به نحوی که پس دادن آن امکان‌پذیر نباشد محقق شود. نحوه تلف کردن تأثیری در ماهیت امر ندارد، بلکه نفس تلف کردن موضوعیت دارد. قانونگذار در بخش از ماده ۷۲۰ می‌گوید اگر با سوء نیت تلف نماید خیانت در امانت خواهد بود (قانون کود جزایی افغانستان ماده ۷۲۰).

۴-۲-۱. استعمال نمودن مال غیر بدون مجوز

استعمال به معنی به کار انداختن، عمل کردن و به کار بردن است، و از نظر جزایی هرگونه استعمال ناروایی مال مورد امانت که بر خلاف قرار داد یا عرف و عادت مرسوم و متداول باشد، را شامل می‌شود. قانونگذار در ماده ۷۲۰ قانون کود جزا گفته است: «شخصی که مال منقول غیر نزد او امانت گذاشته شده ... برای خود یا برای منفعت شخص دیگر استعمال نماید» (قانون جزای افغانستان، ماده ۶۶۶، مصوب ۱۳۵۵) خیانت است. استعمال ملازمه‌ای با تلف کردن مال امانی ندارد بلکه با بقای عین نیز ممکن است (صادقی، پیشین، ص ۱۴۹). بنابراین اگر امین بر خلاف قرارداد و یا عرف و عادت در مال امانی تصرف نماید و در غیر مورد مأذون آن را به قصد ایجاد ضرر به مالک استعمال نماید، عمل او خیانت در امانت محسوب می‌شود.

۳-۱. عنصر روانی جرم خیانت در امانت

برای تحقق جرم علاوه بر انجام رفتار مجرمانه، لازم است که رفتار مرتکب با علم و اراده همراه باشد. قصد مجرمانه و سوء نیت، مقدم بر انجام دادن رفتار ناروا است و در واقع رفتار مرتکب، تبلور خارجی ذهنیت اوست. بنابراین باید سوء نیت خاص و عام خاین اثبات شود، سوء نیت عام عبارت است از انجام یکی از مصادیق رفتار مجرمانه که بیانگر مخالفت با قانونگذار تلقی گردد و سوء نیت خاص یعنی قصد اضرار امانتگذار و یا متصرف قانونی را داشته باشد. قانونگذار در ماده ۷۲۰ به هر دو بخش از سوء نیت مرتکب و قصد اضرار به مالک اشاره نموده است (قانون کود جزا ماده ۷۲۰).

مبحث چهارم: قلمرو خیانت در امانت نسبت به مالکیت‌های خصوصی

در این مبحث نسبت به گستره جرم خیانت در امانت از منظر فقه اسلامی و حقوق جزایی در مالکیت‌های خصوصی پرداخته شده است. خیانت نسبت به امانت یک رفتار ناروا و تعدی به مالکیت‌های دیگری تلقی می‌شود. در نگاه فقه اسلامی این رفتار نامشروع و مستوجب عقاب و از منظر قانونگذار جرم محسوب می‌شود و مسلماً مرتکب از سوی مقامات قضایی مورد پیگرد قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر استفاده نامشروع و یا تصرف غیر مأذون نسبت به اموال امانی همراه با سوء نیت، تعدی نسبت به اعتماد و اطمینان تلقی می‌شود، که زیر بنای اساسی روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد (محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۳۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۵۶، ص ۹۷). در منابع فقهی تعدی و تفریط امین مبنای مسئولیت قرار گرفته است (اسدی، علامه حلّی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۵). ممکن است این رفتار و تصرف ناروا همراه با سوء نیت از ناحیه‌ای امین، اجیر، وکیل، وصی و یا... صورت گرفته باشد، عمل مرتکب خیانت در امانت به حساب می‌آید. می‌توانیم این تلقی را داشته باشیم که در هر قرارداد اگر تعدی نسبت به اعتماد مالک با سوء نیت صورت گیرد،

مرتکب، به خیانت در امانت محکوم گردد. با استناد به دلایل متعددی مانند: دلیل ید، اتلاف، اضرار، ضمان و... می‌توان گفت: هر نوع تعدی و تفریط که منجر به خیانت در امانت شود، عقاب و مجازات در پی خواهد داشت (حسینی شیرازی، ۱۳۰۹، ج ۵۶، ص ۹۸). خیانت نسبت به مالکیت‌های خصوصی در فقه اسلامی می‌تواند قلمرو گسترده‌تری داشته باشد. در نظام‌های کیفری هر قانونگذاری نسبت به خیانت به اموال اشخاص و افراد جامعه ساکت نخواهد بود، بلکه در مقابله با آن به عنوان یک ناهنجاری از هرگونه اقدام، کوتاهی نمی‌کنند. برهمن اساس قانونگذار افغانستان نیز با پیگیری جدی، جلو هر نوع تعدی و تجاوز نسبت به حقوق و مالکیت‌های شخصی را گرفته است. قوانین و مقررات را در این راستا وضع نموده است. در بیان عناصر جرم مصادیقی را بیان کردیم و در ادامه به مواردی از مصادیق جرم خیانت در امانت نسبت به مالکیت‌های خصوصی و در بخش دیگر به مواردی از مالکیت‌های عمومی اشاره خواهد شد.

۱. خیانت نسبت به امانت از ناحیه امین

در بحث‌های گذشته بیان شد امین در اموال منقول که به او سپرده شده است، باید مطابق قرارداد و توافق که با مالک دارد عمل نماید. اگر امین بدون اذن و بیش از توافق تصرف نماید، خیانت در امانت محسوب می‌گردد. قانونگذار افغانستان در ماده ۷۲۰ کود جزا چند مصداق برای موضوع جرم مطرح کرده و آن را مقید کرده به اموال منقول و گفته مرتکب اگر پول یا مال منقول یا سند یا مهر یا امضاء که بر اساس توافق یا قرارداد، حکم قانون یا حکم محکمه به او سپرده شده است، و در ادامه ماده چند مصداق برای رفتار مجرمانه آورده است، به این بیان، مرتکب برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا تصاحب کند یا آنها را با سوء نیت تلف یا پنهان سازد یا در آنها طوری تصرف کند که به مالک ضرر وارد شود (قانون کود جزا ماده ۷۲۰ و ۷۲۱). و ماده ۷۲۱ قانونگذار با توجه به ارزش مال که در اثر ارتکاب جرم تصاحب یا ضایع شده است مجازات را در نظر گرفته است. در منابع فقهی جرم خیانت در امانت مطرح شده است با این تفاوت که اموال محدود به منقول نشده، و نوع رفتار مرتکب کلی آمده است و مجازات به صورت عقوبت اخروی و رفتار مرتکب گناه و معصیت محسوب گردیده است (ولیدی، پیشین، ص ۱۲۴). در کتب حقوقی به موضوع قصد مجرمانه که عمده عامل برای اثبات جرم است تاکید شده است. لذا می‌گویند: اگر مرتکب به قصد تصاحب در امانت تصرف نماید، طبق معیارهای قانونی از لحاظ کیفری مرتکب جرم خیانت در امانت شده و باید به مجازات آن محکوم شود (صادقی، پیشین، ص ۱۵۲).

۲. خیانت در امانت از ناحیه وصی یا قیم

طبق نظر فقها و حقوقدانان قیم و وصی حق سرپرستی محجور را دارد، ولی این حق مطلق نیست.

بلکه هر نوع تصرف حقوقی و غیر حقوقی وصی باید مبتنی بر مصلحت محجور باشد. اگر قییم با سوء نیت در جهت انجام وظایفش نسبت به محجور کوتاهی نماید و یا اموال او را با قصد اضرار مورد تصرف قرار داده و یا به دیگری منتقل نماید. نه تنها قییم مسئول ضرر و زیان مولی علیه خودش است، بلکه بر اساس حکم محکمه علاوه بر جبران خسارت باید به جرم خیانت نسبت به مولی علیه مورد محاکمه قرار گیرد (باریکلو، ۱۳۸۷). چون رفتار او به زیان مولی علیه خیانت نسبت به اعتماد او خواهد بود. در صورت اثبات خیانت وصی یا قییم، موضوع توسط دادستان و ثارنوال مورد پیگیری قرار می‌گیرد و در فرض ثبوت خیانت قرار مجرمیت صادر خواهد کرد. قانونگذار با توجه به اهمیت حمایت از افراد محجور تصرف وصی و قییم را جزء موارد مشدده تلقی کرده و مجازات شدیدتر بر آن در نظر گرفته است. در ماده ۷۲۳ می‌گوید: ارتکاب جرم خیانت در امانت توسط یکی از اشخاص ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به حد اکثر مجازات جرم ارتكابی، محکوم می‌گردد. ۱. شخصی که به امر محکمه، مالی به او سپرده شده یا بالای قاصر یا فاقد اهلیت، وصی یا قییم تعیین شده باشد... مرتکب جرم خیانت در امانت گردد (قانون کود جزا ماده ۷۲۳).

۳. خیانت در امانت از ناحیه وکیل مدافع

وکالت عبارت است از نیابت دادن شخص در زمان حیاتش به تصرف در بخشی از اموال و یا سایر امور زندگی، از جمله وکالت در دعاوی است. در قوانین این نوع وکالت مطرح و مقررات خاص راجع به وکالت دفاع وضع شده است. در فقه اسلامی وکیل گرفتن برای مطالبه حق، اثبات، تعقیب و احراز ادعای حقوقی و جزایی جایز و در موارد لازم دانسته شده است (محمدبن حسن طوسی، ج ۷، ص ۱۹). اگر وکیل مدافع با توجه به دریافت حق الوکاله عمداً و با سوء نیت در انجام وظیفه وکالت کوتاهی نماید. یا نه تنها نسبت به انجام امور وکالت سهل انگاری و به توجهی داشته، بلکه عمداً به ضرر موکل خودش رفتار کرده باشد که سبب تضییع حق موکل خودش گردد. لذا طبق قانون عمل و رفتار او خیانت در امانت خواهد بود. پس باید بر اساس مقررات مورد پیگرد قرار بگیرد (انصاری؛ طاهری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۲۱۶). در ماده ۲۷ قانون وکیل دفاع آمده است در فرضی که شکایت موکل جنبه جزایی پیدا نماید، موضوع به ثارنوالی ارجاع داده می‌شود. تا وکیل مدافع به موجب این رفتار مورد پیگرد قرار بگیرد. در بند اول همین ماده می‌گوید: «هر گونه شکایت موکل یا مراجع مربوط از وکیل مدافع نسبت به اجرای وظیفه به انجمن وکلا مدافع ارائه می‌گردد». در بند چهارم نیز آمده است: «در صورتی که قضیه، جنایی تشخیص گردد، انجمن وکلای مدافع می‌تواند آن را جهت تعقیب عدلی به ثارنوالی ارجاع نماید» (قانون وکلای مدافع، ماده ۲۷، مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۶). با توجه به مقررات حقوقی، وکیل نه تنها نسبت به وظیفه وکالت باید امانتدار باشد، بلکه علاوه بر آن اسرار موکل، آبرو، حیثیت، اسناد و مدارک که در راستای انجام وکالت در اختیارش قرار گرفته است

امین تلقی می‌گردد، بنابر این اگر بر خلاف مصلحت موکل و با قصد سوء در آن تصرف نماید، مصداق خیانت در امانت خواهد بود (انصاری، ظاهری، ج ۳، ص ۲۲۱۶). مصادیق دیگر نیز برای این مورد وجود دارد مانند: خیانت متصدی حمل و نقل، دلال و اجیر، مستخدم و مأمور قانون که به دلیل محدودیت حجم این نوشتار از توضیح آن صرف نظر می‌شود.

مبحث پنجم: گستره خیانت نسبت به مالکیت‌های عمومی در فقه اسلامی و قوانین جزایی

در این مبحث به موضوعات می‌پردازیم که بیشتر جنبه عمومی آن مورد توجه است. ویژگی مالکیت عمومی در این است که مال، ملک فرد یا شخص خاص نیست، بلکه متعلق به عموم مردم یا گروهی از آنها خواهد بود؛ برای مثال زمین‌های که توسط مسلمان‌ها فتح شده، در ملکیت عنوان «مسلمان‌ها» قرار می‌گیرد و به شخص و یا گروه خاصی از افراد تعلق ندارد، و نیز در وقف عام مال در ملکیت عنوان و جهتی که برای آن وقف شده است در می‌آید. وقف عام به موردی اطلاق می‌شود که مال برای اهداف عمومی وقف شده است. از مطالب گذشته این امر روشن شد، که جرم خیانت در امانت در فقه اسلامی به عنوان یک عملی غیر مشروع تلقی شده است، و مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده بر افراد متضرر، مستحق عقاب و کیفر دانسته شده است. از آنجایی اموال عمومی در شرع از اهمیت بالایی برخوردار است، قاعدتاً خیانت نسبت به اموال عمومی باید به عنوان بدترین رفتار ناروا و بزرگ‌ترین خیانت محسوب گردد. در این قسمت چند مورد از مصادیق خیانت نسبت به اموال عمومی بررسی می‌شود.

۱. خیانت نسبت به بیت‌المال مسلمین

نظارت بر اداره بیت‌المال به عنوان یکی از وظایف دستگاه حکومتی و قضات است. از باب اینکه مردم آنها را برای حفاظت از اموال عمومی انتخاب کرده‌اند، و آنها در قبال اعتماد و اطمینان که نسبت به آنها شده است، مکلفند برای حفظ و نگهداری و اداره صحیح اموال عمومی نهایت سعی و تلاش خود را به کار گیرند. بدترین خیانت، خیانت نسبت به بیت‌المال و اموال عموم است (محمد بن حسن رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۶). حضرت در دوران خلافت‌اش نسبت به کوتاهی در حفظ بیت‌المال و خیانت نسبت به آن به شدت بر خورد می‌کرد. لذا حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْظَعَ الْعِشِّ غِشُّ الْأَيْمَةِ وَالسَّلَامِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق) بدترین خیانت نسبت به اموال عموم است، و نارواترین فریب‌کاری فریب‌کاری نسبت به عامه مردم است. خیانت نسبت به بیت‌المال ممکن است از ناحیه افراد عادی باشد و یا از ناحیه متصدیان امر، اونچه موجب شدت جرم یا مجازات می‌شود این بخش است. امام علی علیه السلام هنگامی که از خیانت برخی کارکنان حکومتی اطلاع حاصل نمودند دستور دادند، فرد خیانت کار را از مسئولیت بردارند و به مردم معرفی

نموده به زندان بیندازد (صالح صیحی، خطبه ۱۷۲، ص ۲۴۷ محمد بن نحمد مفید الکافیة بی توبته الخاطیة، ص ۱۸). البته از ماده ۷۲۳ کود جزایی که تشدید خیانت در امانت را بیان کرده است، می‌توان خیانت نسبت به بیت المال را که قانون به شخص حق اداره بیت المال را داده است، وظیفه فرد سنگین خواهد بود پس می‌توان مجازات ماده فوق را در آن جاری دانست.

۲. خیانت نسبت به حکومت

در هر نظام حکومتی تعدادی از افراد جامعه با توجه به مسئولیت که در قبال حکومت و مردم دارند و در مقابل آن از امتیازات برخوردارند، به همان میزان باید پاسخگو باشند. بنابراین عناوین حکومتی مانند: رئیس جمهور، وزیر، فرماندار و... همراه با مسئولیت است، باید نسبت به آن احساس وظیفه نمایند. با تأکید بر این نکته که نگاه آنها نسبت به پست و مقام بیشتر باید به جنبه تکلیفی آن باشد، به مقام به صورت یک طعمه نظر نداشته باشند. و از آن برای چپاول و غارت مردم استفاده نکنند. چنانچه امام علی (علیه السلام) در دوران خلافتش می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي كُنْتُ أَشْرَكْتُكَ فِي أَمَانَتِي وَ جَعَلْتُكَ شِعَارِي وَ بَطَانَتِي وَ لَمْ يَكُنْ فِي أَهْلِي» (۲) «رَجُلٌ أَوْثَقَ مِنْكَ» (محمد بن حسن، رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۴) حضرت خطاب به کارگزارانش فرمود: بدانید که شما را در این امانت (یعنی حکومت) با خود شریک قرار دادم و من در اطرافم افرادی موثق و مطمئن‌تر از شما نیافتم، و شما را برای این مأموریت برگزیدم. پس در قبال این انتخاب، تکالیف و وظایفی بر ذمه شما قرار خواهد گرفت، که نباید نسبت به آن مرتکب خیانت شوید.

امام علی (علیه السلام) در نامه خطاب به بعضی از فرماندارانش نوشت، مقام و جایگاه را طعمه ندانند. و از آن برای چپاول و غارت مردم استفاده نکنند. من شما را در امانتی (یعنی حکومت) با خود شریک قرار دادم، در قبال این انتخاب، تکالیف و وظایفی بر ذمه شما قرار خواهد داشت، مبدا نسبت به آن مرتکب خیانت شوید (ابن بابویه، قمی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۳۲). در قوانین به صراحت به این موضوعات اشاره نشده است، ولی از فحوای کلام قانونگذار در ماده ۷۲۳ و ۷۲۴ می‌شود استفاده که یک مسئول و یا فرماندار وظیفه و کار او امانت است و انجام ندادن آن خیانت در امانت یا در حکم آن خواهد بود.

الف: خیانت نسبت به حکومت از ناحیه حاکم

کسی که در رأس جامعه مسئولیت اداره مملکت به او سپرده شده است، باید امانتدار و پایبند به وظایف خودش باشد. حتی اگر کسی بخواهد بنایی احداث کند، بی تردید در انتخاب «بنا» انسان امین و وظیفه‌شناسی را پیدا می‌کند. وقتی سپردن مسئولیت اداره شئون مختلف جامعه که از مهم‌ترین و مشکل‌ترین و دقیق‌ترین مسائل یک جامعه است، وجود شرایط فوق، به طریق اولی ضروری

خواهد بود. خصوصاً نسبت به جامعه‌ای که به مکتب و ایدئولوژی مشخصی پایبند باشد، برای اداره و سرپرستی جامعه علاوه بر شرایط فوق پایبندی به مرام و مکتب نیز ضروری خواهد بود این یک امر فطری و طبیعی است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۲). بنابراین اگر کسی از جایگاه حاکم اسلامی به ضرر مردم جامعه مرتکب خیانت شود؛ بدترین نوع خیانت خواهد بود. البته این امر ممکن است به علت طینت بد اون فرد باشد، مانند جایی که مردم در گزینش با دقت پیش رفته‌اند. ولی فرد با دیدن مقام و ریاست دچار انحراف گردیده است، تا دیروز انسان فرشته‌نما بود، ولی امروز معلوم شد گرگ در پست میش بوده است. لذا تمام حکومت را بازیچه‌ای برای رسیدن به اهداف نادرست خود چیزی بیش نمی‌داند. بنابراین در انتخاب رجال سیاسی، مسایل نژادی، قبیله‌ای و انگیزه‌های واهی دیگری معیار انتخاب قرار نگیرد، که در نتیجه ضربه بزرگی بر پیکره نظام و حکومت اسلامی وارد خواهد شد، لذا امام علی (علیه السلام) فرمود: «هر کس فردی را (به عنوان رئیس) بر ده تن دیگر بگمارد و بداند در میان آنان فردی بهتر از او وجود دارد، بی تردید به خدا و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است» (پیشین، ج ۲، ص ۶۶). و یا فرمود: «کسی که برای اداره‌ی جمعی کسی را به کار بگمارد و در میان آنان کسی که بیشتر از وی مورد رضایت خداوند است، وجود داشته باشد، به خدا و پیامبرش و مؤمنین خیانت کرده است». بنابراین در انتخاب باید بدور از هر گونه گرایش همواره از بین آنان کسی را که اهل تجربه و حیا، سالم و صالح هستند برای اداره جامعه انتخاب نمایید (پیشین، ج ۲، ص ۸۸). مقام و مناصب دولتی به عنوان امانت بر ذمه مسئولین قرار دارد که باید به آن پایبند باشند، و نسبت به آن مرتکب خیانت نشوند. آنها باید بین مردم عدالت را گسترش دهد، و با آنان با لطف و مهربانی رفتار نمایند، تا بتوانند آنان را بر اساس دین هدایت کرده و با معیارهای دینی و طبق شریعت اسلام، مسیر را برای زندگی هموار نمایند.

ب: خیانت از ناحیه سایر مقامات حکومتی

اشخاصی که در مناصب دولتی قرار می‌گیرند، باید از میان افراد شایسته و توانمند تعیین شود، نه بر اساس رابطه‌های حزبی و قومی. بنابراین اگر حاکم کادر حکومتی را از اشخاصی غیر ماهر و به‌خصوص از کسانی که سابقه خیانت و بی‌مبالاتی او نسبت به حقوق مردم مشهود است برگزینند، به عموم مردم خیانت کرده است. و بار مسئولیت آنها بر گردن حاکم خواهد بود. انتصاب نادرست او خیانت به خویشان هم خواهد بود. در نتیجه، چنین کسی که به خود و به جامعه انسانی خیانت می‌کند کرامت انسانی را با اختیار از خود سلب می‌کند (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۱۵۷). اگر کسی شخصی از مسلمانان را به کار بگمارد و بداند که در میان آنان کسی اولی و بهتر از وی به انجام این مسئولیت در جامعه وجود دارد به مردم خیانت ورزیده است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۹). پیامبر اسلام فرمود با خیانت آخرت او نیز نابود خواهد شد، و به دینی غیر از آیین اسلام

از دار دنیا می‌رود (جمعی از محققان، ج ۱۵، ص ۱۱۴). در ماده ۴۰۵ کود جزا از افشای اسرار توسط مأمورین دولتی اشاره کرده است.

ج: خیانت از ناحیه کارمندان حکومتی

انتخاب و تعیین افراد در پست‌های حکومت و فرمانداریهای یک نظام اداری از اهمیت بالایی برخوردار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: در امور کارگزارانی که به کار می‌گماری، با دقت و هوشیاری عمل نمایید؛ علاوه بر این باید تعیین اشخاص بر اساس مهارت‌ها و توانایی افراد باشد، نه بر اساس گرایش و روابط نه بر اساس قرابت و علاقه شخصی؛ که در این نوع انتخاب‌ها شائبه‌های از ستم و خیانت وجود دارد. افراد باتجربه، شایسته و پیشگام در اسلام را انتخاب کنید، چرا که آنان اخلاق‌شان پسندیده‌تر، آبروی‌شان سالم‌تر، در مادیات حرص‌شان کمتر و در حوادث دور اندیش‌ترند. آن‌ها از دست درازی به آنچه از بیت المال در اختیار دارند، دوری می‌کنند و نسبت به اموال که بر اساس وظیفه در دست دارند خیانت نمی‌کنند (منتظری، ج ۲، ص ۶۵۱ پیشین). اگر از ناحیه آنها خیانت نسبت به مسئولیت اجتماعی و یا اموال عموم سر بزند، در واقع خیانت به وظیفه‌ای که در قبال جامعه و خدا و رسول او دارند خواهد بود (آقا حسین بروجردی، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۶۲۷). با همه این احوال، کارهای‌شان را زیر نظر بگیر و ناظران و مراقبانی امانتدار و راستگو بر آنان بگمارید؛ اگر یکی از کارگزاران تحت فرمان شما دستش به خیانت آلوده شود؛ طبق معیارهای شرعی به مجازات و محرومیت‌های اجتماعی از جمله برکناری از کار، باید محکوم گردد. اگر با خاین این‌گونه معامله شود سبب باز دارندگی برای مرتکب و اندرزی برای دیگر خطاکاران خواهد شد (منتظری، ج ۲، ص ۶۶).

د: خیانت از ناحیه مرزبانان حکومت

مرزبانی یکی از مهم‌ترین موضوعات در حکومت است، افرادی که در این جایگاه قرار می‌گیرد باید از هر نظر خبره و توانمند باشد، درگیر تمع و خودخواهی نشود. حیثیت و آبروی یک کشور وابسته به عملکرد مرزبانان است. محافظین مرزها باید به پیمان‌های نظامی پایبند باشند و به هیچ وجه نسبت به آن مرتکب خیانت نشوند، که خداوند پیمان‌ها را مایه آسایش بندگان و حرم امن آنها قرار داده است (جمعی از محققان، ۱۳۲۸، ج ۱، ص ۳۱۰). افراد نظامی و محافظین مرزها در قبال مردم، وظیفه سنگین دارند، بر طبق معیارهای دینی خیانت آنها نسبت به جامعه بدترین خیانت محسوب می‌شود. در شأن نزول آیه یک سوره ممتحنه این جریان را نقل می‌کند. حاطب بن ابی بلتعنه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمین خیانت کرده بود. او اسرار نظامی فتح مکه را طی یادداشتی برای مشرکان مکه فرستاد؛ که این موضوع افشاء شد و توسط مسلمین بازداشت گردید. او در پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: برای حفظ خویشان و بستگانم از آزار مشرکان مکه چنین کاری کردم (مکارم شیرازی و همکاران،

۱۳۸۲، ج ۲۴، ص ۱۴). سپس حضرت به اصحابش فرمود: به نام خدا و در راه خدا جهاد کنید و با کسانی که به خدا کفر ورزیده‌اند بجنگید، اما هرگز خیانت و پیمان‌شکنی نکنید (آرام، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۷۵، حدیث ۱). خیانت در امانت به هر نحوی و از ناحیه هر کسی باشد بر اساس معیارهای دینی و فقهی و قانونی مذموم است و مرتکب مستحق کیفر و مجازات است که در این نوشتار با رعایت اختصار مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار گستره جرم خیانت در امانت از منظر فقه اسلامی و حقوق جزایی افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است، از آنجایی که تبیین این موضوع در محدوده یک مقاله ده صفحه‌ای امکان پذیر نیست، به گستره جرم خیانت در امانت با توجه به همین محدودیت پرداخته شده است. نتیجه بدست آمده از مباحث فوق از این قرار است:

اولاً، منابع فقهی، جرم خیانت در امانت را در ضمن عقد و ودیعه بیان کرده است و در سایر عقود حکم که در ودیعه آمده است بدلیل اشتراک موضوعی قابل تسری است. در حالی که در حقوق جزایی افغانستان جرم خیانت در امانت تحت عنوان مستقل مجرمانه مطرح گردیده و توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده است.

ثانیاً، در فقه اسلامی گستره جرم خیانت در امانت محدودیت ندارد همان‌گونه که امانت، اجاره، رهن، وکالت، وصیت و سایر عقود که امانتداری در آن مطرح است، خیانت در امانت نیز در آن قابل تصور است، در حالیکه در حقوق جزایی افغانستان در تعریف خیانت در امانت آمده است، شخصی اگر پول یا مال منقول دیگری به نفع خود یا دیگری تصاحب و... نماید به دلیل خیانت در امانت مجازات می‌شود. در این تعریف به صراحت منقول بودن مال را بیان کرده است. از این تعبیر قانونگذار می‌توان استفاده کرد که ارتکاب این جرم فقد در محدوده اموال منقول امکان‌پذیر است. بنابراین گستره جرم خیانت در امانت در فقه اسلامی بشتر از حقوق جزایی خواهد بود.

ثالثاً، علاوه بر این از بررسی منابع فقهی و روایی این نتیجه به دست می‌آید، که این جرم علاوه بر مالکیت‌های خصوصی در مالکیت‌های عمومی که مواردی به طور اجمال بحث شده است مطرح خواهد شد. از جهت دیگر خیانت محدود به مالکیت‌های مادی نیز نمی‌تواند باشد. بلکه خیانت ممکن است نسبت به مالکیت‌های معنوی هم مطرح شود. در روایات برخی عبادات، مانند نماز امانت محسوب شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت: در فقه اسلامی جرم خیانت در امانت از گستره بیشتر نسبت حقوق جزای افغانستان برخوردار است.

منابع

۱. ابن بابویه، قمی، محمد بن علی (۱۳۶۸)، من لایحضر الفقه، تهران، انتشارات صدوق.
۲. آرام، احمد (۱۳۶۶)، ترجمه الحیاء، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
۳. اسدی، علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی الحلال والحرام، جلد ۲، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی.
۴. الاظهري، محمد بن احمد (۱۴۲۲)، معجم تهذيب اللغة، جلد ۱، بیروت، انتشارات دار المعرفه.
۵. انصاری، مسعود و محمدعلی ظاهری (۱۳۸۰)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، جنگل.
۶. انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۲، ص ۹۴۳، تهران، انتشارات جنگل.
۷. باریکلو، علی رضا (۱۳۸۷)، اشخاص و حمایت‌های حقوقی آنان، تهران، انتشارات مجد.
۸. بروجردی، آقا حسین (۱۳۶۸)، منابع فقه شیعه، با ترجمه، مهدی، حسینیان، محمد حسین، صبوری، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۹. تمیمی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۹۰)، غررالحکم و دررالحکم، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۴۱۹)، رسایل فقهی، تهران، انتشارات موسسه منشورات کرامت.
۱۱. حبیب‌زاده، محمد جعفر (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. حبیب‌زاده، محمد جعفر (۱۳۹۱)، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت، تهران، موسسه انتشارات دادگستر.
۱۳. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹)، الفقه، جلد ۵۶، بیروت، انتشارات دار الفکر.
۱۴. صادقی، حسین میر محمد (۱۳۸۲)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات میزان.
۱۵. علی اکبر، دهخدا (بی تا)، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۱۷. قانون کود جزایی افغانستان.
۱۸. قانون وکلای مدافع، مصوب ۱۳۸۶/۹/۲۶.
۱۹. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام، جلد ۲، قم، انتشارات موسسه اسماعیلیان.
۲۰. محمد جعفر، جعفری لنگرودی (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۱. مسعود، انصاری، طاهری، محمد علی (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۳، ص ۲۲۱۶، تهران، انتشارات جنگل.
۲۲. مکارم شیرازی ناصر و جمعی از اساتید و محققین حوزه دایره المعارف فقه مقارن، جلد ۱، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۳. مکارم شیرازی ناصر و همکاران (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب.
۲۴. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد ۱، تهران، انتشارات موسسه کیهان.

۲۵. مهاجری، علی (۱۳۷۹)، جرایم خاص کارکنان دولت، تهران، انتشارات سازمان انتشارات کیهان.
۲۶. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۱)، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۷. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۱)، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۸. الیاس انطون، الیاس (۱۳۷۰ه ش)، القاموس مصری، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، ج ۱، قم، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.